

شما زنان خفته در تابوت ...

زحیمه توحی

20-01-2010

ترا خواهر به فتوای مجتهد ، بیگناه کشتند
مرا در گوشهٔ تبعید ، به فقر مبتلا کشتند
ترا با ریزش سنگ کشتند ، پیش چشم خلق
مرا چون صید این دام ، ز آزادی جدا کشتند
ترا بستند به حکم آیه ها ، در حصار دیوارها
مرا بی خانمان ، بی هم زبان ، نا آشنا کشتند
ترا چون بردگان ، زنجیر اسارت به پا کردند
مرا در کشوری که قانونش شده زنجیر پا ، کشتند
ترا شلاق زدند ، که بی محرم بیرون شدی از خانه
مرا چون دیوانگان دوره گرد ، در کوچه ها کشتند
ترا محروم کردند ز آموزش فرهنگ و دانش
مرا دست نیاز بسوی اغیار ، چون گدا کشتند
ترا نیست پارچه ای ، که زنی پیوند به دامانت
مرا اینجا با زرق و برق ویتترین کالاها کشتند

ترا گر کشتند ، در زیر باران راکت و بمب
مرا چون درویشان ، با نیش زبان اغنیا کشتند
ترا شوهر برید با تیغ قساوت ، بینی و گوش
مرا باتن فروشی همجنسانم در "کاباره" ها کشتند
ترا گر میخ بر سر کوفتند ، بریدند پنجه هایت
مرا باطعنه یی " اینست آئین تان ! " جابجا کشتند
ترا واداشت ستمگری ها ، تا خویشتن سوختی
مرا زین چنین بیداد ، بر زنان بیدفاع کشتند
ترا گر دادند با خدعه و تزویر ، حق رأی درشورا
مرا ساحل نشینان در توری نیرنگ و ریا کشتند
شما زنان خفته در تابوت و بسته در زنجیر
بنگرید ، من و ما را یکایک ، در هر کجا کشتند

* * * * *



(*) – Cabaret : میکده ، میخانه .

